

اهتمام ناتمام

ارزیابی انتقادی ویراست مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین طوسی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی | h.ataee@isca.ac.ir | حمید عطائی نظری

| ۳۹۵ - ۴۰۸ |

۳۹۵

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده: با وجود مقام علمی ممتاز و بی‌نیاز نصیرالدین طوسی، تاکنون اهتمام درخور توجهی نسبت به احیا و ارائه شایسته آثار ارزنده وی صورت نگرفته است و بسیاری از نگاشته‌های او هنوز در قالب ویراست‌های انتقادی دقیق انتشار نیافته است. در نوشتار حاضر ویراست مجموعه‌ای از مکتوبات و مکاتبات طوسی که زیر عنوان أجوبة المسائل النصیریة به اهتمام مرحوم شیخ عبدالله نورانی تصحیح و منتشر شده است، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. عدم استفاده از نسخه‌های متعدّد و معتبر، ضبط‌های غلط، افتادگی‌ها و خطاهای حروف نگاشتی از مهم‌ترین اشکالات وارد بر ویراست مزبور است. در این طبع نامطبوع از رسائل طوسی، بیشتر اصول و قواعد متعارف تصحیح انتقادی متون رعایت نگشته است و در نتیجه، متونی مشحون از نادرستی‌های گوناگون عرضه شده که البته واجد اعتبار و قابل اعتماد تام نیست.

کلیدواژه‌ها: نصیرالدین طوسی، أجوبة المسائل النصیریة، رسائل فلسفی و کلامی، عبدالله نورانی، تصحیح متون، نقد.

A Critical Review of the Edition of a Collection of Correspondences by Khwāja Naṣīr al-Dīn Ṭūsī
Hamid Ataei Nazari

Abstract: Despite the unparalleled scholarly stature of Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, a sufficiently rigorous effort to revive and properly present his valuable works has yet to be realized. Many of his writings remain unpublished in the form of reliable critical editions. This article offers a critical review of the edited collection of Ṭūsī's writings and correspondences published under the title *Ajwibat al-Masā'il al-Naṣīriyya*, edited by the late Shaykh 'Abdullāh Nūrānī. Major shortcomings of this edition include the neglect of multiple reliable manuscripts, incorrect readings, omissions, and typographical errors. The edition fails to adhere to established principles of textual criticism and consequently presents texts replete with various inaccuracies, rendering the edition of limited academic credibility and trustworthiness.

Keywords: Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, *Ajwibat al-Masā'il al-Naṣīriyya*, philosophical and theological Rasā'il, 'Abdullāh Nūrānī, textual criticism, critique.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مرحوم استاد همایی در جایی سخنی با این مضمون ابراز داشته‌اند که در میان دانشمندان مسلمان، پس از ابوریحان بیرونی و ابن سینا، هیچ‌کسی در مراتب علمی، هم‌رتبه‌خواجه نصیرالدین طوسی نیست و برای او هیچ تالی و نظیری وجود ندارد. این سخن استاد دانشور، البته حرفی گزاف و مبالغه‌آمیز نیست. طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) از جهت جامعیت علمی و تبخّر در دانش‌های عقلی مختلف، مقامی ممتاز و بی‌همباز دارد و میراث علمی سترگ و شایگان بازمانده از او گواهی است نیک بر درستی این ادعا. با این وصف، تاکنون، آنچنان که سزاوار چنین دانشمند عالی‌رتبه‌ای است، اهتمام درخور توجهی نسبت به احیا و ارائه شایسته آثار ارزنده وی صورت نگرفته است و بسیاری از نگاشته‌های او هنوز در قالب ویراست‌هایی دقیق و قابل اعتماد منتشر نشده است. به‌طور ویژه، از رسائل و مکتوبات و مکاتبات فلسفی و کلامی طوسی، تنها شمار اندکی به صورت انتقادی و نسبتاً دقیق و مُتَقَّح تصحیح گردیده است^۱ و از اغلب نوشته‌های او حتی شرح مشهور و متداول و ممتّع وی بر کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا موسوم به حلّ مشکلات الإشارات هیچ چاپ مُحَقَّق و معتبری فراهم نیامده است. بسیاری از ما هموطنان و میراث‌بران طوسی گرفتار امور شاید مهم‌تر دیگری هستیم و فرصتی برای پرداختن به تصحیح و تحقیق آثار او را نداریم! امید می‌رود که روزی مستشرقی همتی مردانه کند و از این کتاب ارزشمند طوسی ویراست انتقادی عالمانه‌ای برایمان فراهم آورد! به هر حال، نخستین گام در مسیر احیای آثار طوسی آن است که معلوم شود بیشتر رسائلی که از وی طی چند دهه گذشته به طبع رسیده است، از ویراست‌هایی علمی و معتبر برخوردار نیست و هرگز نباید بدانها خرسند بود و بر آنها اعتماد و اکتفا نمود. در نوشتار حاضر، ویراست مجموعه‌ای از رسائل خواجه نصیرالدین طوسی که به اهتمام مرحوم شیخ عبدالله نورانی تصحیح و منتشر شده است مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد تا میزان اتقان و استواری آن آشکار گردد.

مرحوم نورانی دو مجموعه مختلف از رسائل فلسفی و کلامی و منطقی نصیرالدین طوسی را منتشر کرده است که مشخصات آنها از این قرار است:

۱. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) الطوسی، نصیرالدین، تجرید الاعتقاد، تحقیق: محمد جواد الحسینی الجلالی، مکتب الإعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
(۲) الطوسی، نصیرالدین، تلخیص المحضّل أو نقد المحضّل، تحقیق و تعلیق: محسن بیدارفر، مکتبه بیدار، قم، ۱۴۴۰ ه.ق.
(۳) الطوسی، نصیرالدین، مَصَارِعُ الْمُصْطَرَعِ، حَقِّقَهُ وَقَدَّمَ لَهُ: ویلفرد مادلونگ، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ ه.ش.

(۴) القونوی، صدرالدین، و نصیرالدین الطوسی، المراسلات بین صدرالدین القونوی و نصیرالدین الطوسی، تحقیق: گودرون شوبرت، دارالنشر فرانتس شتاینرشتوتگارت، بیروت، ۱۴۱۶ ه.ق. / ۱۹۹۵ م.

۱. تلخیص المَحْصَل (معروف به نقد المَحْصَل) بانضمام رسائل و فوائد کلامی از خواجه نصیرالدین طوسی، باهتمام: عبدالله نورانی، زیر نظر مهدی محقق و چارلز آدامز، انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۹ ش. / ۱۹۸۰ م. (بازچاپ: بیروت، دار الأضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ه. ق. / ۱۹۸۵ م.)، ۲۸ + ۵۴۰ ص.، مشتمل بر تصحیح تلخیص المَحْصَل و سی رساله کوتاه عربی فلسفی و کلامی به ضمیمه آن.

۲. أجوبة المسائل النصيرية، به اهتمام: عبدالله نورانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه. ش.، ۳۸ + ۲۹۸ ص.، شامل بیست رساله به زبان عربی و فارسی که تمامی آنها مکاتبات و نامه نگاری ها و پرسش و پاسخ هایی است میان طوسی و برخی از دانشمندان معاصر وی در خصوص موضوعات مختلف و مسائل گوناگون فلسفی و کلامی.

اگر ویژگی های کلی معروف یک ویراست انتقادی - علمی را در نظر بگیریم و ملاک سنجش قرار دهیم، هیچ یک از دو مجموعه نامبرده از رسائل طوسی را نمی توان تصحیح انتقادی به معنای حقیقی برشمرد. به طور کلی در هر ویراست انتقادی دقیق و کامل باید اصول و قواعد و مراحل مشخص تصحیح متون رعایت شده باشد، یعنی:

۱) مُصَحِّحی لایق و حاذق با فحوص و بحث تا حد امکان تام، به شناسایی نسخه های بازمانده از متنی که تصحیح می کند پرداخته باشد.

۲) نسخه های مهم شناسایی شده، یک به یک مورد ارزیابی قرار گرفته باشد و با توجه به ملاک هایی چون قدمت و صحت و اصالت و استقلال رتبه بندی شده و از میان آنها نسخ برتر برگزیده شده باشد. چنانچه نسخه ها از حیث صحت و دقت سنجیده و ارزیابی نشود و دست نویسی عیبناک و مغلو ط اساس تصحیح قرار گیرد، بطور طبیعی متن فراهم آمده بر پایه آن، متنی نامعتبر و آکنده از اغلاط خواهد بود. در این مرحله، صرف قدمت نسخه نیز نباید ملاک گزینش دست نوشتی برای تصحیح یک اثر قرار گیرد و حتماً باید نسخه کهن از حیث دقت و صحت نیز سنجیده شود؛ زیرا چه بسا، برخلاف انتظار، کهن ترین نسخه یا نسخه های یک اثر، صرفاً رونویس هایی مغلو ط از آن باشد. بنابراین، مرحله انتخاب نسخه های اساس تصحیح مرحله ای است بسیار مهم و تأثیرگذار در فرایند تصحیح که تا حد زیادی کیفیت محصول نهایی تصحیح را مشخص می کند. از این رو هرگز نباید برای تصحیح یک کتاب یا رساله،

به سادگی چند دست‌نوشته در دسترس از آن را بدون ارزیابی دقیق آنها برگزید و کار تصحیح را بر بنیاد آنها به انجام رساند.

۳) دست‌نوشته‌های منتخب، با دقت با یکدیگر مقابله شده باشد و اختلافات آنها در ضبط کلمات، در قالب یک «سازواره انتقادی» کامل و جامع ارائه گشته باشد.

۴) با توجه به چند و چون نسخه‌ها، روشی درست و مناسب برای تصحیح متن انتخاب شده باشد و مُصحح کوشیده باشد در هر موضع، با نهایت باریک‌بینی و لحاظ جوانب گوناگون، از میان ضبط‌های مختلف، ضبط برتر، یعنی نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین خوانش به نوشته اصلی نویسنده اثر را تشخیص داده باشد.

۵) توضیحات و تعلیقات و ارجاعات لازم در خصوص عبارت و مطالب متن اثر ارائه شده باشد.

۶) مُصحح در مقدمه خود، دست‌نویس‌های اساس تصحیح خویش و روش و فرایند تصحیح متن اثر را به دقت توصیف کرده باشد و آگاهی‌های ضروری را در باب اثر و نویسنده آن نیز بازنموده باشد.

ارزیابی دو مجموعه پیشگفته از رسائل طوسی بر اساس اصول و قواعد یادشده معلوم می‌دارد که هیچ‌یک از آن دو مجموعه به صورت انتقادی و عالمانه تصحیح نشده است و در نتیجه، متون عرضه‌شده در آنها مشتمل است بر اغلاط و خطاهای چشمگیری که موجب سلب اعتبار و اعتماد از این ویراست آنها می‌شود. اشکالات عمده مشترک هر دو مجموعه رسائل مزبور را می‌توان چنین برشمرد:

یک) اگرچه همه، اغلب متون و رسائل مندرج در آنها تنها بر اساس یک یا دو نسخه تصحیح گردیده است و در تحقیق آنها از دست‌نویس‌های مختلف و متعدد بهره گرفته نشده با اینکه مُصحح، خود، در موارد بسیاری مشخصات چندین دست‌نوشته از یک رساله را بازگو کرده است.^۱

۱. برای نمونه، مرحوم نورانی در حالی که مشخصات شش نسخه از رساله الإمامة را ذکر کرده است، تصریح نموده که در تصحیح این رساله فقط از یک نسخه استفاده کرده است (نگرید به: تلخیص المخصّل، باهتمام: عبدالله نورانی، انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۹ ش.، ص. بیست‌وسه). به همین صورت، با وجود اینکه خود ابراز می‌دارد رساله بقاء النفس بعد بوار البدن دارای نسخه‌های متعددی است و از جمله نشانی سه دست‌نویس از آن را بازی نمی‌نماید، به صراحت یادآور می‌شود که این رساله را فقط بر اساس یک نسخه چاپ کرده است (نگرید به: همان، ص. بیست‌وچهار).

دو) دست‌نویس یا نسخه‌های اساس تصحیح هر رساله اصلاً مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته است و صحت و دقت و ارزش و رتبه آنها مشخص نشده است و هیچ معیاری هم برای گزینش آنها معرفی نشده است.

سه) هیچ‌یک از ویراست‌ها، واجد سازواره انتقادی نیست و در سرتاسر آنها حتی یک نسخه بدل گزارش نشده است! این امر البته با توجه به اینکه مُصَحِّح کار خود را تسهیل نموده و برای تصحیح اغلب رساله‌ها فقط به یک نسخه رجوع کرده، چندان غریب نمی‌نماید.

چهار) در ضبط کلمات و بازخوانی و بازبینی عبارات دقت کافی اعمال نشده است و اغلاط و اشتباهات نسبتاً پرشماری در ثبت آنها رخ داده است.

پنج) به استثنای چند مورد معدود، هیچ توضیح و تعلیق و ارجاع خاصی درباره مطالب و عبارات متن ارائه نشده است.^۱

شش) مُصَحِّح در خصوص روش تصحیح هر یک از رسائل هیچ توضیحی نداده است و در موارد بسیاری حتی نسخه یا دست‌نویس‌های اساس تصحیح خویش را نیز به نحو دقیق معین نکرده است!^۲

۴۰۰

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. تا آنجا که نویسنده این سطور بررسیده است، عموم ویراست‌های منتشر شده بر دست‌مرحوم نورانی، از اساس، فاقد حواشی و تعلیقات و ارجاعات لازم است و نهایت ارجاعات مصحح نامبرده تخریج نشانی آیات و روایات بوده است، با این وصف، مایه شگفتی است که مرحوم استاد احمد مهدوی دامغانی، از «تحشیه دقیق و تعلیقات نفیس» آن مرحوم بر کتبی که تصحیح کرده از جمله همین تلخیص المخصّل یاد کرده است: «مرحوم آقای نورانی مخصّص برای علم بود. بیش از بیست متن مهم فلسفی و عرفانی را با تصحیح و تحشیه دقیق و تعلیقات نفیس خود به اهل علم هدیه فرموده است و از جمله آن شرح و ترجمه فارسی التحصیل بهمنیار و المحضّل حضرت خواجه طوسی است. جناب استاد دکتر محقق در تلفظ فرمود که آن مرحوم تنها در مؤسسه مک‌گیل تحت سرپرستی ایشان هجده کتاب مهم را تحشیه و تصحیح فرموده است.» دامغانی، احمد مهدوی، «ذکر جمیل نورانی»، مجله گزارش میراث، دوره دوم، سال پنجم، شماره چهل‌ونهم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، ص ۱۳۳. لابد از سر حسن ظنّ و تعارفات معمول مطلبی فرموده‌اند که از اساس حقیقتی ندارد و باورپذیر نیست!

۲. برای نمونه، اگرچه مُصَحِّح، برخی از مخطوطات رساله‌های قواعد العقائد و أقلّ ما يجب الاعتقاد به را معرفی کرده است، اصلاً تصریح ننموده که این رساله‌ها را بر پایه کدام نسخه یا دست‌نوشته تصحیح کرده است! (نگرید به: تلخیص المخصّل، صص. بیست‌وسه - بیست‌وچهار). نیز هم‌اکنون پنج نسخه برای رساله اثبات العقل المفارق یاد کرده است بی‌آنکه مشخص کند بر بنیاد کدام نسخه یا دست‌نویس‌ها ویراست خود را فراهم آورده! (نگرید به: همان، ص. بیست‌وپنج). ذکر مشخصات نسخه‌های مختلف یک اثر بدون اشاره به نسخه اساس تصحیح، در موارد زیر نیز قابل ملاحظه است: رساله الطبیعة (نگرید به: همان، ص. بیست‌وشش)، رساله الکمال الأولى (نگرید به: همان، ص. بیست‌وهفت)، رساله أقسام الحکمة (نگرید به: همان، ص. بیست‌وهشت). همین وضعیت ابهام‌آمیز و پرسش‌برانگیز در خصوص چند و چون نسخه‌های اساس تصحیح، در

بنابراین، در فرایند تصحیح هر دو مجموعه رسائل مورد گفت‌وگو از خواجه نصیرالدین طوسی بیشتر اصول و قواعد متعارف تصحیح انتقادی متون رعایت نشده است و طبیعتاً متون فراهم‌آمده در نتیجه این فرایند ناقص و اهتمام ناتمام نیز متونی است مشحون از سهوها و خطاهای گوناگون. در واقع، بسیاری از مُصحّحان متون ما در چند دهه گذشته، از جمله همین مُصحّح مرحوم مزبور رسائل طوسی، تصوّر درست و دقیقی از فنّ تصحیح متن و اصول و قواعد آن نداشته‌اند و تصحیح متن را چیزی جز فرایند ساده تبدیل دست‌نوشته به متنی حروف‌چینی شده نمی‌دانسته‌اند.^۱ از این رو آثار تصحیح و چاپ‌شده بر دست آنان، به‌رغم اهتمام و سعی مشکوری که نموده‌اند، انباشته است از سهوها و مسامحت‌ها و نادرستی‌ها. چنین ویراست‌هایی به‌هیچ روی طبع‌هایی کاملاً مطبوع و مقبول و معتمد محسوب نمی‌شود و تمامی آنها باید از نو بر اساس دست‌نوشته‌های مختلف و نویافته، به روش علمی و انتقادی تصحیح و منتشر گردد.

اکنون به منظور آنکه ارج و ارز ویراست‌های عرضه‌شده از برخی از رسائل نشریافته در مجموعه‌های مورد بحث روشن گردد و ادعای غیر انتقادی و نامنقّح بودن و در نتیجه، بی‌اعتباری بیشتر آن

ویراست برخی از رسائل چاپ‌شده در أجوبة المسائل النصیریة نیز دیده می‌شود. برای نمونه، از أجوبة المسائل الرومیة چهار دست‌نوشته شناسانده شده است اما معلوم نگردیده که کدامیک از آنها مورد رجوع قرار گرفته (نگرید به: أجوبة المسائل النصیریة، ص. هفده). همچنین، برای أجوبة مسائل فخرالدین محمد بن عبدالله بیاری و أجوبة مسائل السید رکن‌الدین الاسترآبادی از سه نسخه یاد کرده است اما به نسخه اساس تصحیح خویش اشارتی ننموده (نگرید به: همان، ص. نوزده).

۱. داوری دیگری در زمینه سبک و کیفیت ویراست‌های مرحوم نورانی نیز مطرح شده است که البته بیشتر توجیهی ناموجه می‌نماید: «بی‌پرده و بی‌پروا باید گفت قدر نورانی در حرفه خود چنانچه بایسته است، شناخته نشد و به وی فرصت و امکانات احیای میراث مکتوب داده نشد. جایگاه او تدریس منطق یا ادبیات عرب در دوره کارشناسی نبود و این اشتغال بر او جفا بود و بر جامعه علمی ستم. نورانی سلیقه‌ای در تصحیح داشت که بر اساس آن، نیاز به ذکر نسخ‌های متعدد و حتی مقابله‌های گوناگون نمی‌دید. از سلیقه و شیوه او نقد شده است؛ اما علت‌یابی نشده است. نورانی روزگار خود را می‌شناخت و می‌دانست روزگار او گذار از سواد اصطلاحاتی مربوط به دست‌نویس‌هاست. دانشجویان و طلاب نه حوصله خواندن نسخه‌های خطی را دارند و نه توان و زمان آن را. گویی دانشجویان و طلاب از زمان حاکم و نسخه‌های خطی دور و بیگانه می‌شوند. این بیگانگی می‌تواند نسل جدید را از میراث سنتی محروم کند. او چاره این کار را در آن دید که هرچند شتابان، نسخه‌ای آسان یاب و درست از حیث نگارش و محتوا به نسل جدید ارائه دهد. عنوانی که استاد مهدی محقق بر کارهای او نهاد، اهتمام (و نه تصحیح)، مورد پسند نورانی هم بود. وی کارشناسانه از سرپختگی به نشر امروزی دست‌نویس‌های قدیمی گماشت. و بر این مبنا، سلیقه و روش خود را تعریف کرد و از آن عدول نکرد. سلیقه او ناشی از بی‌خبری از شیوه‌های جدید تصحیح نبود و یا برخاسته از عافیت‌طلبی، و سهل‌انگاری نیز نبود. حتی اگر چنین انگاشته شود، آثار او نیاز به تصحیح مجدد دارد. باید دانست که خود وی این راه را هموار کرده است. او شتابان می‌خواست نسل جدید با مجموعه آثار طوسی، میرداماد و سایر حکما آشنا شوند». فرامرز قراملکی، آخذ، «گمشده شیخ عبدالله نورانی (تحلیلی بر فعالیت‌های حرفه‌ای استاد)»، چاپ‌شده در: احیاگر میراث: یادنامه استاد عبدالله نورانی، به‌ اهتمام: دکتر احد فرامرز قراملکی، خانه کتاب، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴.

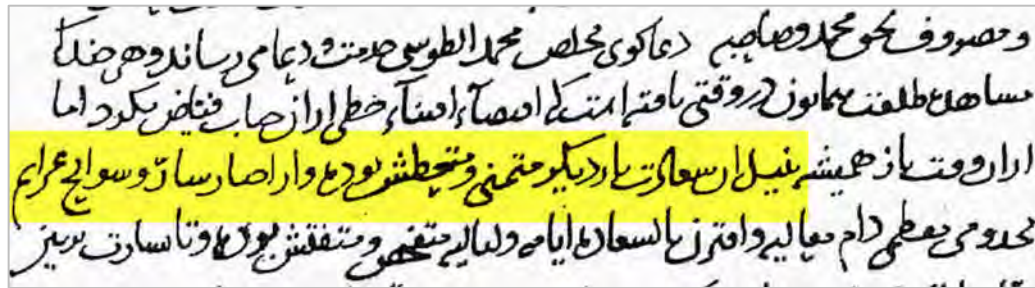
ویراست‌ها به اثبات رسد، نمونه‌وار، شماری از اغلاط گوناگون راه‌یافته به متن بعضی از این رسائل که در أجوبة المسائل النصیریة منتشر شده است بازنموده می‌شود. سزاوار است که ویراست هر یک از متونی که در این مجموعه از رسائل طوسی به چاپ رسیده، به‌طور جداگانه مورد بررسی و نقد قرار گیرد. نگارنده این سطرها، پیش از این، به سنجش و نقد تصحیح یکی از رساله‌های مطبوع در همین کتاب پرداخته است و خطاهای چشمگیر آن را بازنموده است که طبعاً در اینجا نیازی به بازگفت آنها نیست.^۱ اینک شماری دیگر از نادرستی‌ها و سهوهای قابل ملاحظه در بعضی از رساله‌های کتاب نامبرده فراموده می‌شود. ضبط‌های غلط، افتادگی‌ها، خطاهای حروف نگاشتی، حرکت‌گذاری‌های اشتباه و استفاده نادرست از علائم ویرایشی از مهم‌ترین اشکالات وارد بر ویراست تحت بررسی از رسائل نصیرالدین طوسی است. ابتدا چند عبارت از رساله‌های مختلف این کتاب که مشتمل است بر خطاهای بارز نقل و بررسی و اصلاح می‌شود تا میزان نادرستی پاره‌ای از عبارات مندرج در این رسائل و دقت مصحح در تصحیح آنها ظاهر گردد. سپس، فهرست‌وار، به شماری دیگر از اغلاط ویراست مذکور اشاره می‌شود.

(۱) «دعاگوی مُخلص، محمد طوسی، خدمت و دعا می‌رساند که هر چند دولت مشاهدۀ طلعت همایون در وقتی یافته است که اقتضای اقتنای حظی از آن جناب فیاض نکرده، اما از آن وقت باز همیشه بلبل عزائم مخدومی معظمی - دام معالیه و اقترنت بالسعادة آیامه و لیالیه - متفحص و متفتش بوده.» (ص ۲۷۳، س ۱۴ - ۱۶)

لابد در ذهن هر خواننده باریک‌بینی این پرسش نقش می‌بندد که «بلبل» وسط کلام خواجه چه می‌کند؟! و ترکیب «بلبل عزائم» اصلاً یعنی چه؟ با رجوع به دست‌نویس‌های رساله‌ای که گفت‌وورد بالا از آن نقل شده است روشن می‌شود که در اصل کلام طوسی هیچ نشانی از «بلبل» نیست و این «بلبل» در واقع، صورت تصحیف‌شده کلمه «به‌نیل» است که در برخی از نسخه‌ها به غلط، شکل «بلبل» یافته است و مُصحح رساله هم بدون هیچ کنجکاوی در باب آن و اهتمامی برای اصلاح آن، همان کلمه غریب و نامأنوس «بلبل» را در متن جای داده است! از این گذشته، در همین موضع، چند کلمه‌ای به اندازه نیم‌سطر از متن اصلی نامه خواجه افتاده است و به همین جهت عبارت کنونی مهمل و مبهم به نظر می‌رسد. صورت درست عبارات یادشده بنابر دست‌نویست کهن شماره ۴۸۶۲ کتابخانه ایاصوفیه در ترکیه (برگ ۲۷۶ آ - ۲۷۷ آ) از این قرار است:

۱. نگرید به: عطائی نظری، حمید، «چهار ویراست غیر انتقادی از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی»، مجله آینه پژوهش، سال ۳۰، ش ۱۷۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۶۵ - ۱۰۱ (به‌ویژه: صص ۸۵ - ۹۱).

«اما از آن وقت باز همیشه به نیل آن سعادت بار دیگر متمنی و متعطش بوده و از اخبار ساز و سوانح عزائم مخدومی معظمی - دام معالیه واقترن بالسعادة آیامه و لیالیه - متفحص و متفتش بوده.»

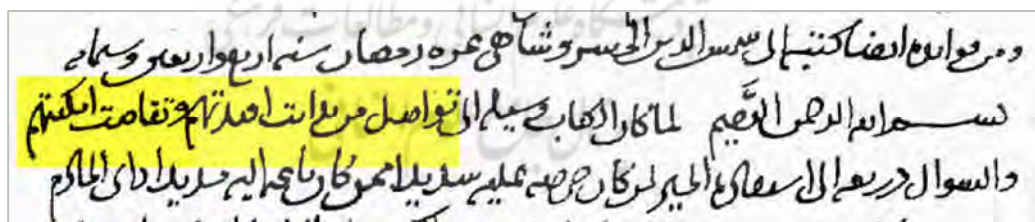


چنانکه ملاحظه شد، عبارت «آن سعادت بار دیگر متمنی و متعطش بوده و از اخبار ساز و سوانح» در ویراست مورد بررسی از قلم افتاده است و به همین جهت ترکیب نامفهوم و شگفت انگیز «بلبل عزائم» پدید آمده است!

(۲) «الکتابه وسیله إلى تواصل من دانت أفئدتهم و تفاصلت ألسنتهم». (ص ۲۶۵، س ۳)

در این عبارت نیز کلمات و ترکیب‌های بی معنایی چون «تواصل» و «تفاصلت ألسنتهم» ثبت شده است که در اثر آنها کل عبارت مذکور نامفهوم و نامعلوم گشته. صورت درست این عبارت، بنابر همان دست‌نویست مزبور (برگ ۲۷۵) چنین است:

«الكتاب وسیله إلى تواصل من تدانت أفئدتهم و تقاصت ألسنتهم».



(۳) «نفرض سجلاً مكتوباً، يشتمل كتابته على سطور، فيها كلمات متألّفة من حروف؛ فالسالم بجميع ما فى السجل من السطور و الكتاب و الحروف دفعةً، يكون عالماً بما فيه على وجه.» (ص ۴۶، س ۱۰-۱۲)

کاش مُصَحِّح این عباراتِ خواجه یکبار جملات فوق را با دقت خوانده بود تا متوجه می‌شد که کلمه «فالسالم» در این عبارت کاملاً بی‌معناست و صورت صحیح آن باید چیز دیگری باشد.

رجوع به دست‌نویس‌های رساله حاوی این عبارات، ما را به شکل درست کلمات و جملات پیشگفته رهنمون می‌شود:

«نَفَرَضُ سَجَلًا مَكْتُوبًا، يَشْتَمِلُ كِتَابَتُهُ عَلَى سَطُورٍ، فِيهَا كَلِمَاتٌ مُتَأَلِّفَةٌ مِنْ حُرُوفٍ؛ فَالْعَالَمُ بِجَمِيعِ مَا فِي السَّجَلِ مِنَ السَّطُورِ وَالْكَلِمَاتِ وَالْحُرُوفِ دَفْعَةً، يَكُونُ عَالَمًا بِمَا فِيهِ عَلَى وَجْهِ كُلِّي».

حذف وصف «کلی» از ترکیب «علی وجه کلی» در پایان جمله قطعاً موجب اخلال در فهم معنا و مراد طوسی می‌شود؛ چون این ترکیب در برابر «علم بر وجه جزئی» قرار دارد که وی در ادامه جملات خویش بیان می‌کند.

(۴) «يتوقف العلم بالمطابقة أو المضايقة المستلزم لكون الإدراك تعيّناً على إدراك المتطابقين أو المتضائفين». (ص ۲۷۲، س ۶-۷)

در عبارت پیشگفته نیز ضبط نادرست «تعیناً» سبب ایجاد ابهام در معنای آن شده است. با رجوع به نسخه‌ها معلوم می‌شود که ضبط درست آن کلمه عبارتست از «یقیناً» و با لحاظ آن، معنای جمله کاملاً روشن و بی‌ابهام است. این نکته به‌طور کلی درخور توجه است که یکی از علل دشواری و پیچیدگی فهم متون کهن، که گاه دریافت معانی عبارات آنها را متعذر و ممتنع می‌سازد، تصحیفاتی است که در ضبط کلمات آن متون اتفاق افتاده و آنها را از صورت اصلی و درست خود خارج کرده است. پس اگر جمله‌ای در این قبیل متون نامفهوم بود، نخست باید احتمال وقوع تصحیف و تحریف در آن را مدنظر قرار داد و از ضبط درست کلمات آن اطمینان یافت.

(۵) «بعد فترة من وصول مخاطباته العالية، و دروس من الوقوف على مكاتباته النامية». (ص ۲۶۷، س ۱۰)

در عبارت بالا نیز کلمه «النامية» (به معنای بالنده) که وصف «مکاتبات» واقع شده، نامناسب به نظر می‌رسد. با استفاده از نسخه کهن رساله مشتمل بر عبارت نقل شده می‌توان دریافت که ضبط درست این کلمه عبارت است از «السامية» یعنی والا و بلند و ارجمند.

(۶) «و الفريق الآخر: الأول عقلاً فعلياً بسيطاً، و الثاني علماً تصوّرياً». (ص ۸۴، س ۵)

در جمله پیشگفته، فعل «سمّوا» از قلم افتاده است. بنابراین عبارت درست چنین است: «و الفريق الآخر سمّوا الأول عقلاً فعلياً بسيطاً، و الثاني علماً تصوّرياً».

اینک شماری دیگر از ضبط‌های نادرست راه‌یافته به ویراست مورد بحث فرانموده می‌شود. ابتدا ضبط نادرست با خطی زیر آن نشان داده می‌شود و سپس صورت صحیح آن درج می‌گردد.

۱. ص ۴۲، س ۲۰: التّار الواحد يعمله تسويداً في الحطب، و تبييضاً في الفحم ← يعمل.
۲. ص ۴۴، س ۱۵: من حيث تعلّق عنايته المخصوصة للطرف الخاصّ بالوجود ← المُخصّصة.
۳. ص ۴۴، س ۲۴: العلم بالجزئيات، أعنى الشّخصيات الزّمانية و المكانية ← بالشخصيات.
۴. ص ۴۵، س ۲: و تأخّره ممّا يكون مثله على ما هو عليه في الوجود ← قبله.
۵. ص ۴۵، س ۹: و هو كليتة عقلية باقترانها بتجوهر مطابقتها لصور عوالم غير هذا العالم ← بتجويز.
۶. ص ۴۵، س ۱۴: مع العلم بمقدار ما بينها من العدة ← المدّة.
۷. ص ۴۵، س ۱۹: الإشارة إليه امتداد وضعي، من ذي وضع إلى ذي وضع آخر كليّ منه في جهة معيّنة ← كائن.
۸. ص ۴۶، س ۴ (از آخر صفحہ): لأوضح ما عني فيه ← عندي.
۹. ص ۷۲، س ۱۳: لحرصى على طلب التوصل الروحاني إليه، بإجابة سؤاله، و شفعي بنيل التوصل الحقيقيّ لديه، بإيراد الجواب عن مقاله ← شعفى.
۱۰. ص ۷۳، س ۱۳: و عدّها أربعاً و عشرين مسألة ← أربعة.
۱۱. همان، س ۳ (از آخر صفحہ): و أسعدنى على منالى بأوسع مواهب السعادة ← مقالى.
۱۲. ص ۷۶، س ۱۳: فيرجع إلى ما أبطلنا، من أنّ علمه بها لا يصحّ أن يكون مستفاداً ← أبطلناه.
۱۳. همان، س ۱۸: الاشتغال ببيان طريق المعتزلة في هذا الموضوع ← طريقة.
۱۴. ص ۷۷، س ۳: و لا يصحّ أيضاً [قول] من نفى أنّ المعدوم ذات ثابتة في نفسها ← ممّن.
۱۵. همان، س ۴: المعدوم على قول هذا ليس شيئاً يتبعه العلم ← بشىء.
۱۶. همان، س ۱۲: الأصل في هيئة التطابق هو ما عليه المعلوم، و كأنّه محكّى عنه، و فاعلية العلم فرع عليه، و كأنّه حكاية عنه ← و ما عليه العلم.
۱۷. همان، س ۱۹: و جميع ذلك ينافى تأخير المتبوع عن التابع بالزّمان ← تأخّر.

۱۸. ص ۷۸، س ۹: يخرج على هذا التقسيم الجواب عن احتياج مَنْ قال ← احتجاج.
۱۹. همان، س ۱۱: كَلَّ ما كان العلم به مستفاداً من الامور الخارجة كان العلم به تابعاً للمعلوم ← الخارجية.
۲۰. همان، س ۱۷: وهذه المسألة من المبهمات ← المهمات.
۲۱. ص ۸۰، س ۸: يصحّ معه الحكم عليها لمنع أن يجهل حقائقها ← بمنع.
۲۲. ص ۸۱، س ۸: العلم معنًى يقوم بالذات العالمة، فيوجب بها الوصف ← لها.
۲۳. همان، س ۱۱: يختلفون في فروع تتعلق ← تتعلق به.
۲۴. ص ۸۲، س ۲ (از آخر صفحه): بل حصوله للقوى المدركة و جوده لها ← وجوده.
۲۵. ص ۸۶، س ۷: هو إضافة العالم إلى المعلوم ← إضافة للعالم.
۲۶. همان، س آخر: غير حاصلة ولا موجودة ← ولا ثابتة.
۲۷. ص ۸۷، س ۶: أن النسبة لا تكون إلا بمنتسبين ثابتين ← لمنتسبين.
۲۸. همان، س ۱۱: أدى إلى أن يتساوى كون العالم عالماً ولا كونه عالماً ← كونه لا عالماً.
۲۹. همان، س آخر: فيكون العلم عالماً بمطابقة المعلوم ← فيكون العلم عالماً لمطابقته المعلوم.
۳۰. ص ۸۹، س ۶: في العلم ← الكلام في العلم.
۳۱. همان، س ۹: أن العلم بالمقدّمين هل يكفي في حصول العلم الثالث أم يتوقف على علم آخر ← أمر.
۳۲. همان، س ۱۵: أن العلم هل يصحّ أن يكون مؤثراً كالقوة أم لا ← كالقدرة.
۳۳. ص ۹۰، س ۱۱: هذه المسائل على الأصل الذي قدّمناه ← هذه المسائل تتفرّع على الأصل الذي قدّمناه.
۳۴. ص ۹۱، س ۳ (از آخر صفحه): لا يكون تعقلها بها بارتسام صورة فيها ← لها.

۳۵. ص ۹۲، س ۳: الواقع بالتشكيك، كالبياض الواقع على بياض الثلج و بياض العاج، لا يمكن أن يكون ذاتها مقوّمًا لما يقع عليه ← ذاتياً.

۳۶. ص ۲۷۱، س ۸: أن أسمع الصّوت، لا أن أسمع الكلمات ← أفهم.

۳۷. ص ۲۷۲، س ۴: و فرقة تدعم أنّ حقيقة الإدراك هي حصول أثر من المدرك في ذات المدرك ← تزعم.

۳۸. ص ۲۷۲، س ۱۳: هل يسقط بإسقاطها إياها أم لا ← بإسقاطنا.

۳۹. ص ۲۷۳، س ۶: يادت که مرا از تو چه آزاديهاست ← یا رب.

۴۰. ص ۲۷۳، س ۱۲: دست تصرف زمان و عنان تغلب حدثان ← تقلّب.

گذشته از ضبط‌های نادرستی که فراموده شد، پاره‌ای خطاهای حروف نگاشتی و حرکت‌گذاری‌های اشتباه نیز در ویراست این مجموعه از رسائل طوسی دیده می‌شود که برخی از آنها به شرح زیر است:

(۱) ص بیست و سه، س ۴: سلمیان ← سلیمان.

(۲) ص ۱۱، س ۱۱: رُونیا ← روینا.

(۳) ص ۱۴، س ۱۴: الحُدود ← الحدود.

(۴) ص ۴۲، س ۱۳: داته ← ذاته.

(۵) ص ۴۵، س ۲: الأمکنة ← الأمکنة.

(۶) ص ۷۳، س ۵: المقربیین ← المقربین.

(۷) ص ۸۱، س ۲: متصوّره ← متصوِّرة.

(۸) ص ۲۷۲، س ۱: الثاص ← الثانی.

(۹) همان: المتأخرون ← المتأخرون.

(۱۰) ص ۲۷۲، س ۱۶: کماسک ← کأسک.

(۱۱) همان، س ۱۷: الانسباط ← الانسباط.

(۱۲) ص ۲۸۰، س ۵: همنشيان ← همنشيان.

(۱۳) ص ۲۶۷، س ۸: مُشْحُوناً ← مَشْحُوناً.

(۱۴) ص ۲۷۱، س ۱۲: عندوالمحققين ← عند المحققين.

آنچه بیان شد، تنها بخشی از اغلاط و نادرستی‌های مشهود در این مجموعه از رسائل نصیرالدین طوسی است و اگر قسمت‌های دیگری از آن نیز بررسی گردد حتماً سهو و خطاهای افزون‌تری در آن آشکار خواهد شد. با این اوصاف، دیگر نوبت به ذکر اشتباهات ویرایشی نمی‌رسد و همین اندازه از بازنمودن ایرادات کتاب مزبور احتمالاً برای خواننده هوشمند بسنده است تا کیفیت تصحیح و میزان اتقان و استواری ویراست رسائل منتشرشده در آن را بازشناسد. محتاج به گفتن نیست که یادکرد این خطاها طبعاً به معنای نادرستی و ناستواری همه یا اکثر عبارات و متون نشریافته در کتاب نامبرده نیست. مقصود اصلی از نمایاندن اغلاط این ویراست آگاهانیدن محققان از کاستی‌ها و نادرستی‌های مشهود در تصحیح این بخش از رسائل طوسی است و پرهیز دادن از اعتماد تام به چنین ویراستی در تحقیق و بررسی آراء طوسی. امید می‌رود که این قبیل انتقادات، مایهٔ انتباه و جلب توجه محققان به ضرورت تحقیق دقیق و بازنشر رسائل فلسفی و کلامی نصیرالدین طوسی نیز گردد و مصححانی کاردان با اهتمام تمام ویراست‌هایی مطابق با ضوابط و قواعد تصحیح انتقادی متون از آثار وی، آنگونه که شایسته و درخور مقام والای این دانشمند بی‌همال است، فراهم آورند.

۴۰۸

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

